

## غوغای عام و ستاره خاص

دکتر عطاالله مهاجرانی، منبع: اعتماد ملی

بهمن ۱۳۸۷

زمان ناقد بصیری ست! شاید از همین روست که تاریخنگاران باور دارند تا از حادثه ای دست کم دو نسل سپری نشود، به دشواری می توان در باره آن درست و دقیق نوشت ...

درباره اشخاص شاید اندکی آسانتر باشد. به گمانم می توان اشخاص را به دوگروه تقسیم کرد. مرادمان اشخاصی است که در زندگی اجتماعی و سیاسی نقش داشته اند. پس از گذار سال ها برخی چهره ها از آن چه از آن ها نموده می شد، فاصله می گیرند. غبار ها زدوده می شود و خدشه ها محو. چهره آنان روز به روز روشن تر و درخشنده تر و جذاب تر می شود.

چهره هایی هم هستند و بوده اند که گذر زمانه آن ها را تاریک و تیره می کند. شاید تاریخ از انسانی که به داوری تاریخ اعتقاد ندارند، به شیوه خود انتقام می گیرد.

مهندس بازرگان از زمره گروه نخست است. چهارده سالی که از درگذشت او می گذرد، هر سالی که گذشت سیمای بازرگان روشنتر و درخشانتر شد... اکنون در جمع های دوستانه هر گاه نام او به میان می آید. دریغ بر زبان ها شعله می کشد. چه گوهری را داشتیم و قدرش را ندانستیم و حتی آزارش دادیم و او با چشم هایی مهربان صبور و خاموش نگاه کرد.

مهندس بازرگان از زمره آنانی بود که گنااهش دیدن افقی بود که دیگران آن افق را نمی دیدند. چنین انسانی در روزگار التهاب هر انقلابی تنها می ماند. آن ها از سطح و افق روزگار خود فراترند و باید عذاب بچشد و آزار ببینند.

گه دهری و گه کافر و ملحد باشد

گه دشمن خلق و فتنه پرور باشد

باید بچشد عذاب تنهایی را

مردی که ز عصر خود فراتر باشد

شاید هم این افراد به تعبیر امام علی علیه السلام میوه های نارس زمانه خویشند. که نمی توان از چنان میوه ای نا به هنگام بهره برد.

«چیتنده میوه در زمان نامناسب، مثل کشاورزی ست که زمین ندارد.»

اما زمان که گذشت آن میوه ها در ذهن جامعه می پرورند و می رسند و حسرتی ماندگار در ذهنیت جامعه بر جای می ماند. مثل حسرت ما وقتی نام مهندس بازرگان را می شنویم و به یاد می آوریم که در غوغای عام او ستاره‌ای خاص بود.